

قدرت منطقه‌ای و موشکی در حال حاضر مهم‌ترین نقاط قوت ایران در مواجهه با غرب است، «فرهیختگان» بررسی کرده جریان بهاری و اصلاح طلبان چه نقشه‌ای برای این قدرت ایران کشیده بودند

جریان‌شناسی تحدید قدرت منطقه‌ای ایران

از میان مولفه‌های قدرت، ایران به‌طور ذاتی دارای وسعت و حدود جغرافیایی استراتژیک و همچنین جمعیت و منابع انسانی قابل‌اتکایی است که می‌تواند زمینه‌ساز بروز و ظهور دیگر مولفه‌هانیز باشد. در این شرایط اما مولفه‌های اکتسابی در عرصه امنیت‌ملی و استقلال سیاسی بیشتر به چشم می‌آیند. سال‌هاست که در فلسفه سیاسی-امنیتی ایران سرفصل‌هایی چون قدرت موشکی، عمق استراتژیک منطقه‌ای (با همان زنجیره کشورها و جریان‌های مقاومت در منطقه از کشورهای جنوبی آسیا تا آسیای غربی) دیده می‌شود، به انضمام اینکه به نگاهی راهبردی، از دهه ۷۰ مساله هسته‌ای را نیز به‌عنوان یک قدرت بازدارنده برای ایران متصور بودند و از همین منظر نیز تلاش کردند در گفت‌وگوهایی بسیار طولانی این فناوری علمی را در ایران محدود کنند و به اصطلاح اطمینان بایند که ایران به سلاح اتمی دست نمی‌یابد؛ اتفاقی که در جریان انقذاد برجام رخ داد و فعالیت‌های علمی هسته‌ای ایران به‌طور جدی محدود شد و در نگاه غربی‌ها یکی از مولفه‌های قدرت نظامی ایران گرفته شد.

آنچنانکه در بخش بعدی به تفصیل بیان خواهیم کرد، در نگاه طرف غربی حاضر در برجام، یعنی ایالات متحده آمریکا، موضوع هسته‌ای به دیگر نقاط قوت و توانمندی‌های بازدارنده ایران گره خورده است. اوپاما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا بارها از موضوع موشکی و موضع حضور منطقه‌ای ایران در کنار مساله هسته‌ای نام می‌برد و اهداف آمریکا را برای محدودیت این دو توانمندی تشریح می‌کند. در داخل اما برخی جریان‌های سیاسی نه‌تنها به هیچ‌عنوان به این مساله توجهی ندارند، بلکه با رفتار و کلام خود در مسیر تضعیف توانمندی موشکی و منطقه‌ای ایران گام برداشته‌اند و به عبارتی آب به آسیاب دشمن ریخته‌اند. اگر به دقت به این جریان‌ها نگاه شود، نام‌های آشنایی در میان آنها دیده می‌شود. مرحوم

در سوره هزینه نکنید، کار بشار تمام است

رجب طیب اردوغان شاید اولین نفری باشد که از مواضع متفاوت احمدی‌نژاد در قبال سوریه و منطقه سخن می‌گوید. او در سال ۹۰ در گفت‌وگو با خبرنگاران توضیح می‌دهد که رئیس‌جمهور وقت ایران در دیداری که با او داشته بدون اشاره به نقش تروریست‌ها در ناامنی‌های سوریه، گفته که «بیش از ۲۰بار به بشار اسد، رئیس‌جمهور گفته‌ام که گرفتن سلاح مقابل مردم کار درستی نیست، اما بشار اسد چون توقع نداشت این حرف‌ها را از من بشنود، برای همین هم خیلی ناراحت شد». یک سال بعد در ۱۳ مهر سال ۹۱ وقتی محمود احمدی‌نژاد آماده بازگشت از نیویورک به تهران می‌شد، در گفت‌وگو با الجزیره مواضع دوپهلویی در قبال وضعیت سوریه می‌گیرد و در میان سخنان خود علاقه‌ای ندارد که به یک اقدام سازمان‌یافته در سوریه اشاره کند و بگوید که برای مقابله با این اقدام باید وارد عمل شد تا به کشورهای دیگر توسعه نیابد. او به خبرنگار الجزیره می‌گوید: «اگرچه بنده ایرانی هستم، اما قیبل از آن یک مسلمان و یک انسان هستم و معتقدم حتی کشته شدن یک نفر برای حل و فصل مسائل سوریه قابل توجیه نیست.» و ادامه می‌دهد: «هیچ‌کس نمی‌تواند برای مردم سوریه تکلیف تعیین کند، اما همه موظف هستیم برای ایجاد تفاهم ملی در این کشور تلاش کنیم.» او چندی بعد به آذر بیاجان غربی می‌رود و در سخنرانی خود اساسا مساله تروریسم و اقدام تروریستی را منکر می‌شود و می‌گوید در این کشور دو گروه داخلی که هر دو ملت سوریه هستند به جان هم افتاده‌اند و یکدیگر را می‌کشند.

در این ایام در یکی از جلسات هیات دولت که بعدها در رسانه‌ها منتشر شد، اسفندیار رحیم‌مشایی از نزدیکان رئیس‌جمهور به سخنرانی می‌پردازد.

وی می‌گوید: «نباید کاری کنیم که معنایش این باشد که جبهه جهانی تصمیم گرفته که حکومت (سوریه) عوض بشود و ایران به هیچ‌وجه در این مساله نه‌تنها همراهی نکرده

اصلاح‌طلبان هم که این روزها در مواجهه با اتهام کاسبی ترس‌فروشی، خود را خط مقدم دفاع از ایران در مقابل آمریکا می‌دانند، در موارد زیادی تکلیف خود را با برنامه‌های منطقه‌ای و موشکی به‌عنوان دو مولفه باقی‌مانده قدرت ایران روشن کرده‌اند و به خوبی نشان داده‌اند که اگر در این سال‌ها زمام کار در این حوزه‌ها مثل برجام در دست آنها و تیم مورد حمایت‌شان بود، اکنون سرنوشتی مشابه برنامه هسته‌ای را برای این دو حوزه شاهد بودیم؛ موضوعی که اثباتش خیلی سخت نیست و صرفا مروری کوتاه بر مواضع نیروهای سیاسی این جریان بیانگر عمق ماجرا است.

تندترین ادبیات را در این باره شاید بتوان در اظهارات مصطفی تاجزاده جست‌وجو کرد. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب که بخش عمده‌ای از رنج‌های اقتصادی کشور ناشی از «مخارج سنگین و غیرضروری حاکمیت در سوریه و مخارج از ایران» می‌داند، سال گذشته در گفت‌وگویی زبان‌های این راهبرد را از سودهای آن بیشتر دانسته و تصریح کرده بود که ما در سوریه دخالت پرضایعه و

سیاست

جمله ایران و عراق را خنثی کرد، در گام سوم برخی کشورهای منطقه مانند ترکیه و قطر را از مسیر قبلی خود منصرف ساخت و آنها را تا نقاط قابل توجهی با خود همراه کرد، در گام چهارم در افکار عمومی جهان به‌عنوان مدافع صلح و پیشگام در خط مقدم مبارزه با تروریسم مطرح شد و نهایتا در ایام تحریم آمریکا، مسیر دورزدن تحریم و تامین منافع اقتصادی ایران را به همراه آورد.

سال‌های اخیر ایامی است که سپاه پاسداران با متحد کردن ملت‌های منطقه در مقابل تروریسم و سازماندهی آنها، هم موفق شده تروریسم را شکست دهد، هم صف جدیدی در مقابل آمریکا و صهیونیست‌ها تشکیل دهد تا در موقع لزوم، هم امنیت ایران و منطقه را تضمین کند و هم دفع‌کننده فشارهای اقتصادی باشد.

اوپاما از مذاکرات هسته‌ای چه می‌خواست

پیشنهاد می‌کنیم اگر هیچ‌کدام از سخنرانی‌ها و اظهارنظرهای باراک اوپاما، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده را مطالعه نکرده‌اید، اظهارنظرهای او را درباره توافق هسته‌ای و رابطه آن با مسائل منطقه به‌ویژه سخنرانی و پرسش و پاسخ او با خبرنگاران در ۱۵ جولای ۲۰۱۵ (۲۴ تیرماه ۱۳۹۴) و سپس سخنرانی در حاشیه اجلاس امنیت هسته‌ای واشنگتن در اول آوریل ۲۰۱۶ (۱۳ فروردین ۱۳۹۵) مطالعه کنید. اوپامای اتوکشیده که در این سال‌ها تمام تلاش خود را کرد که در پوشش مخملین، با لبخند و گرفتن ژست تعامل و گفت‌وگو ایران را به چاهی سرازیر کند که جمهوری خواهان مدافع جنگ نکردند، چنانکه لیست بلندبالای تحریم‌های ایران در دوران اوپاما که هم از لحاظ کیفی و هم کمی گسترده و مهم تلقی می‌شدند، همین مساله را بازگو می‌کند.

اولین سخنرانی همان نشست خبری بعد از توافق هسته‌ای است. او در این

«ما در محاصره، تحریم و یابوکتیم و نمی‌توانیم از منابع استفاده کنیم، باید گران بخریم و در دریافت پول هم با مشکلات فراوان روبه‌رو هستیم اما آرشااهد خطر بزرگ‌تری هستیم. مردم سوریه بیش از ۱۰۰ هزار کشته و هشت‌میلیون آواره‌داندند در داخل و خارج، زندان‌ها پر از مردم، زندان‌ها جا ندارند، بعضی از روزگارها را گرفته‌اند، آنها پر کردند، شرایط بدی بر مردم حاکم است، مردم از یک طرف از طرف خود حکومت‌شان بمباران شیمیایی می‌شوند و از طرف دیگر امروز باید منتظر بمب‌های آمریکا بمانند؛» اینها بخشی از تحلیل مرحوم هاشمی‌رفسنجانی درباره تحولات منطقه در هفته‌ها و ماه‌های ابتدایی بحران سوریه بود.

تحلیلی که مطرح‌شدنش آن‌هم از سوی رئیس‌مجمع تشخیص مصلحت‌نظام، افکار عمومی را در بهتی عمیق فروبرد و خیلی‌ها را بر سر درواهی موضع رسمی نظام در قبال تحولات این کشور و آنچه هاشمی گفته بود، قرار داد.

هرچه بود ادعاهای عجیب‌هاشمی درباره استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه، پیش از آن توسط مقامات در واشنگتن و تل‌آویوو با هدف کمک به جریان نیوای سلفی-تکفیری در سوریه که آن روزها به سرعت شاخ و برگ پیدا می‌کرد، مطرح شده بود و از قضا همین دست ادعاها به بهانه حمله نظامی به این کشور مبدل شده بود.

این اظهارات که برای اولین بار در خبرگزاری ایلنا منتشر شده بود، موجی از انتقادات را در محافل سیاسی و رسانه‌ای کشور رقم زد و کار را به جایی رساند که ایلنا ضمن تغییر متن خبر بخش مربوط به حمله شیمیایی دولت سوریه به مردم این کشور را حذف کرد. آن‌رفته را اما به این سادگی‌ها نمی‌شد به جوی برگرداند و انتشار فایل صوتی و بعد، انتشار فیلم سخنرانی این اظهارات که در مراسم سالگرد ارتحال آیت‌الله‌صالحی‌مازندرانی در شهر شیرگاه سوادکوه مطرح شده بود، حکایت از آن داشت که هاشمی واقعا همین‌ها را گفته.

این کنش‌وواکنش‌ها البته تنها چند روز بعد از آنی بود که نغمه‌اشراقی در توثیتی

مدعی شد هاشمی در حسینیه جماران و در جمع شماری از مردم استان

اصفهان، قریب‌به‌مضمون گفته «دولتی که ملت خود را بمباران شیمیایی کند عواقب سخت آن را خواهد دید، همان گونه که صدام در بمباران حلبچه‌نگ‌اندی را بر خود خرید و چهارچین سرنوشت هولناکی شد.»

ادعای اشراقی البته خیلی زود از سوی روابط‌عمومی مجمع تشخیص مصلحت تکذیب شد و رضا سلیمانی، مدیرکل روابط‌عمومی مجمع تشخیص تاکید کرد که موضع آقای هاشمی درباره سوریه، فلسطین و لبنان شفاف است و با یک شایعه مخدوش نمی‌شود. اما کسب تکرار نعل به نعل همان حرف‌هایی که تکذیب شده بود به فاصله‌ای کوتاه و

انتشار فیلم و صوت آن، نشان داد اساسا تکذیب

و توجیه موضوعیت چندانی ندارد و باید این موضوع را واقعی هاشمی دانست.

علی‌مطهری، نماینده مجلس همان

روزها با تایید این مساله گفت

که به نظر او آقای هاشمی

می‌خواهد راه جدیدی

باز کند و اگر ایشان

اسناد و اطلاعات و



نسخه خطرناک برای توان موشکی

اخباری در این رابطه داشته باشد می‌خواهد بگوید که ایران و انقلاب اسلامی بیش از حد مایه نگذارد. همه اینها البته درحالی بود که مرحوم هاشمی یکی دو روز قبل در جلسه مجمع تشخیص مصلحت‌نظام با انتقاد از اظهار مواضع سیاسی توسط افراد و کانال‌های غیررسمی که می‌تواند برای سیاست خارجی کشور تبعات منفی به همراه داشته باشد، گفته بود: «باید از بیان مواضع غیررسمی و افراطی توسط افراد غیرمرتبط پرهیز و مواضع اصولی و هوشیارانه نظام توسط کانال‌های رسمی و مسئول بیان شود.»

شاید حالا با گذشت چندسال از آن روز و در شرایطی که‌غائله سوریه و داعش و باقی گروه‌های تکفیری به سرانجام رسیده، بیش از همیشه روشن باشد که اگر سیاست اصولی نظام با دست‌فرمانی که هاشمی در نظر داشت، پیش‌رفته بود امروز چه عاقبتی در انتظار عمق راهبردی ایران در منطقه می‌بود.

این البته تنها خطای فاحش رئیس اسبق مجمع تشخیص مصلحت‌نظام درباره مولفه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه نبود. او یک‌بار دیگر، با همین جهت‌گیری، رویکرد ایران در تقویت توانمندی دفاعی خود را مورد تردید قرار داده بود. از توثیت جنجالی «دنیای فردا دنیای #گفت‌مان هست نه موشک‌ها...» که به فاصله کوتاهی تعدیل و اصلاح و حتی تکذیب شد که بگذریم، از ایده اقتدای ایران به کشورهایی چون آلمان و ژاپن برای برچیدن توان نظامی کشور و جایگزینی آن با اقتصاد دانش‌بنیان ا نمی‌شود به سادگی گذشت. هاشمی چهار ماه پیش از مرگش در اظهاراتی نادر، با اشاره به محرومیت آلمان و ژاپن از داشتن نیروی نظامی در سال‌های بعد از جنگ جهانی گفت که در کشورهای در حال جنگ نیروهای نظامی بیشترین خرج را می‌برند اما با این اقدام، پول‌های آنها آزاد شد و به‌دنبال کارهای علمی و تولیدی و اقتصاد دانش‌بنیان رفتند و لذا دیگر آسیب‌پذیر هم نیستند. آن‌ طور که پدر معنوی دولت اعتدال متوجه شده بود، علت رشد اقتصادی ژاپن و آلمان، «محرم شدن

این دو کشور از نیروی نظامی پس از جنگ جهانی دوم» و صرف هزینه‌های نظامی این دو کشور در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان بوده و از نظر او این راهی بود که در ایران هم باز شده و دوره دوم دولت روحانی می‌توانست ما را به آنجا برساند. توصیف هاشمی درباره مولفه‌های قدرت دو کشور ژاپن و آلمان البته در شرایطی بود که همان سال طبق اعلام موسسه تحقیقات صلح استکهلم و موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک، این دو به ترتیب با اختصاص ۴۰/۹ میلیارد دلار و ۷/۳۶ میلیارد دلار در رتبه‌های هشتم و نهم از ردیف کشورهای قرار گرفتند که بیشترین بودجه نظامی را در جهان به خود اختصاص داده بودند و باز این در حالی بود که ایران در سال ۲۰۱۵ چیزی معادل یک‌چهارم این رقم- حدود ۱۲ میلیارد دلار- بودجه دفاعی برای پیشبرد اهداف خود در نظر گرفته بود.

این تازه فارغ از مفهومی به نام استقلال و جایگاه آن در میان آرمان‌های انقلاب اسلامی بود. مفهومی که لاقل در دو کشور مورد اشاره مرحوم هاشمی ردای از آن دیده نمی‌شود و تعدد پایگاه نظامی آمریکایی در آنها به خوبی بیانگر همین موضوع است.

می‌دهد. مساله اصلی این است که آیا حضور نظامی ما در سوریه منطقی و قابل‌قبول است یا نه؟ از نظر اصلاح‌طلبان، این حضور نظامی خیلی معنا ندارد. البته این تبلیغات و شعار وجود دارد که اگر ما آنجا نجنگیم، باید با آنها در شیراز و اصفهان بجنگیم. البته من نمی‌دانم این چندر واقعیت داشته باشد. بالقوه داعش برای همه خطرناک است، اما به علت تفاوت‌های زبانی، مذهبی و روشنفکری ایران خیلی امکان نفوذ آنها در کشور وجود ندارد.» صادق زیباکلام اصلاح‌طلب دیگری است که در این باره مقابل مواضع اصولی کشور می‌ایستد. او در ۲۸ بهمن ۹۱ در روزنامه قانون می‌گوید: «وضع برای همیشه این گونه نخواهد ماند، و بالاخره نیروهای مخالف خواهند توانست تسلیحات ضد‌هوایی به دست آورند و در نتیجه پیشرفت‌های نظامی‌شان سرعت خواهد گرفت... آقای طائب و همفکران‌شان در ایران بدون توجه به واقیعت‌های سوریه متأسفانه منافع کوتاه‌مدت حاکمیت را قربانی منافع بلندمدت ایران در جهان عرب و خاورمیانه می‌کنند.

حاصل سیاست‌ها و موضع‌گیری‌های ما در قبال سوریه این شده که ما به جای در کنار مردم سوریه قرار گرفتن، در کنار روسیه، چین و دو میلیون حلیوی همیشه این‌گونه نخواهیم شد. بعد هم آمریکا و استعمار با محکوم می‌کنیم که میان ایران شیعی و اعراب سنی شکاف و دشمنی ایجاد می‌کنند.»

روحانی در اصفهان بود که همین دو سال پیش سروصدای زیادی به پا کرد.

دبیرکل حزب کارگزاران راه‌حل مسائل منطقه را توان دیپلماسی دولت- که به زعم او یک‌بار مساله تحریم‌ها را حل کرده بود- به جای ورود نظامی و مستشاری به این بحران از زیبایی می‌کرد؛ بحرانی که البته حالا به لطف همان رویکرد مورد

انتقاد کرباسچی، جای خود را به ثبات داده، استراتژی‌ای که ضمن جمع کردن بساط داعش و زمینه را برای برهم‌بندی اقتصادی ایران از همین ثبات فراهم آورده است.

در این میان رضا خاتمی موضع جالب دیگری دارد. او در این‌باره نظر کل اصلاح‌طلبان را بیان می‌کند و با تحلیلی که بعدا مشخص شد کاملا اشتباه است، می‌گوید: «اصولا اصلاح‌طلبان معتقدند راه و روش دیپلماسی جواب

